

دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها

مهدی حسینی تقی‌آباد*

شیوا علی‌زاده**

چکیده

دیپلماسی عمومی در دنیای کنونی ابزار کارآمد سیاست خارجی است. بهینگی تحقق اهداف سیاست خارجی از طریق به‌کارگیری قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت، سبب شده است که این وجه از دیپلماسی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شود. ارتقای وجهه ایران و همراه ساختن افکار عمومی کشورهای پیرامون یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت این سیاست است و در مقابل، این سیاست نیز زمینه‌ساز ارتقای اعتبار و وجهه ایران در نگاه مردم کشورهای همسایه است؛ به‌عبارتی دیپلماسی عمومی ابزار کارآمد تحقق سیاست همسایگی و سیاست همسایگی زمینه‌ساز ارتقای دیپلماسی عمومی است. با توجه به پیچیدگی‌های موجود در مناسبات قفقازی جمهوری اسلامی ایران و اهمیت این منطقه برای تهران، قفقاز جنوبی و به‌ویژه جمهوری آذربایجان از اولویت‌های کاریست دیپلماسی عمومی ایران و همچنین پیشبرد سیاست همسایگی است. سوال اصلی این پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود که ظرفیت‌ها و راهکارهای ایران در استفاده از ابزار دیپلماسی عمومی و ارتقای نقش‌آفرینی آن در روابطش با جمهوری آذربایجان چیست و موانع اصلی کاریست موفق این ابزار در سیاست خارجی ایران در قبال این کشور تاکنون چه مواردی بوده است؟ در این پژوهش با وجود برخورداری ایران از ظرفیت‌های چشمگیر، موانع کاریست موفق دیپلماسی عمومی ایران در جمهوری

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mehdiabad@ut.ac.ir

** استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، shiva_alizadeh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴

آذربایجان ذیل سه عنوان مطالعه و راهکارهای پیشنهادی برای کاهش نقش منفی این موانع ذیل پنج محور ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، جمهوری آذربایجان، دیپلماسی عمومی، سیاست همسایگی، قفقاز جنوبی.

۱. مقدمه

گذشت بیش از ربع قرن از فروپاشی شوروی زمینه ارزیابی و آسیب‌شناسی مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مستقل هم‌سود به‌ویژه همسایگان جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی را فراهم کرده است. همسایگانی که میراث مشترک فرهنگی و تمدنی ایران با آنها به‌منزله رشته‌های مرئی و نامرئی پیوند، هم فرصت‌آفرین بوده و هم در مواردی به پیچیدگی‌های مناسبات دو طرف افزوده است.

اگر در اوان فروپاشی شوروی پاسخ‌ها به پرسش‌ها درباره رویکردهای آینده هر یک از این کشورها به‌ویژه در حوزه مناسبات خارجی و دولت - ملت‌سازی در حد حدس و گمانه‌زنی بود، اکنون می‌توان الگوهای هر یک از این کشورها که حاصل برهم‌نهی متغیرها و ثابت‌هایی پرشمار هستند را در موارد یاد شده استخراج و درباره آینده برآوردهای دقیق‌تری عرضه کرد. در این بین مورد کشورهای قفقاز جنوبی با توجه به پیشینه حضور تاریخی آنها در جغرافیای ایران و همسایگی‌شان با ایران پس از جدایی آنها از قلمرو این کشور و ژئوپلیتیک درهم‌تنیده‌شان با ایران، از اهمیت خاصی برای تهران برخوردار است.

در بین سه همسایه قفقاز جنوبی یعنی ایران، ترکیه و روسیه، ایران تنها کشوری است که با هر سه جمهوری قفقاز جنوبی روابط رسمی دیپلماتیک دارد و در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی همواره در وجوه رسمی، سطحی از مناسبات دوستانه را با همه آنان حفظ کرده و اراده خود را مبنی بر حمایت از صلح و ثبات نمایان ساخته است، اما ایران از لحاظ کنشگری به‌مثابه یک قدرت بازی‌ساز در قفقاز جنوبی در مقایسه با روسیه و ترکیه و شماری از کنشگران قدرتمند فرامنطقه‌ای در سطح پایین‌تری قرار گرفته و در مقایسه با ظرفیت‌های موجود در مناسباتش با قفقاز جنوبی، دستاوردهای کم‌تری داشته است. آسیب‌شناسی مناسبات با هر یک از این کشورها، لزوم کاربست ابزارهای نوین و کارآمد را در سیاست خارجی آشکار می‌کند. برخی از این ابزارها مانند دیپلماسی عمومی مدتی است که در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌هایی جدی

برای استفاده از آن در خدمت سیاست خارجی کشور صورت گرفته است که در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی و فرهنگی نیازمند توجه، برنامه‌ریزی و طراحی‌های جداگانه است که در موضوع کشورهای همسایه به دلیل وجود ظرفیت‌های متنوع در این حوزه از سویی و حساسیت‌ها و ملاحظات گوناگون از سوی دیگر، فعالیت در این زمینه دشوارتر است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تلاشی را در جهت ارتقای مناسبات با کشورهای پیرامونی در چارچوب سیاست همسایگی آغاز کرده است که دیپلماسی عمومی ابزاری کارآمد در جهت اجرایی شدن این سیاست است و اجرای این سیاست نیز زمینه‌ساز ارتقای دیپلماسی عمومی کشور است.

با توجه به پیچیدگی‌های مناسبات ایران و کشورهای قفقاز جنوبی و در عین حال شباهت‌های موجود در الگوی این مناسبات، در این پژوهش به پیچیده‌ترین مورد مناسبات دوجانبه برای جمهوری اسلامی ایران، یعنی جمهوری آذربایجان پرداخته می‌شود. سؤال اصلی این پژوهش بدین صورت مطرح می‌شود که ظرفیت‌ها و راهکارهای ایران در استفاده از ابزار دیپلماسی عمومی و ارتقای نقش آفرینی آن در روابطش با جمهوری آذربایجان چیست و موانع اصلی کاربست موفق این ابزار در سیاست خارجی ایران در قبال این کشور تاکنون چه مواردی بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله این است که «با وجود برخورداری ایران از ظرفیت‌های چشمگیر، موانعی از موفقیت دیپلماسی عمومی تهران در قبال باکو جلوگیری کرده‌اند». در صفحات پیش رو توضیح خواهیم داد ایران در کاربست دیپلماسی عمومی در مناسباتش با جمهوری آذربایجان از ظرفیت‌های بسیاری از جمله اشتراکات فرهنگی، تاریخی، زبانی و نزدیکی جغرافیایی برخوردار است، اما عواملی چون میراث اندیشه تهدیدانگاری ایران و اسلام به‌جامانده از دوره اتحاد شوروی، مواضع و سیاست‌های خصمانه دولت ایلچی‌بیگ در آغازین سال‌های استقلال جمهوری آذربایجان بر ضد جمهوری اسلامی ایران و اثر پایای آن بر صورت‌بندی مناسبات دو کشور، فعالیت برخی جریان‌های ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان، کاربست شماری از اشتراکات فرهنگی و تاریخی در چارچوب دولت - ملت‌سازی در جمهوری آذربایجان در رویکردی واگرایانه از ایران و برخی تلاش‌های دامنه‌دار از بدو تاسیس این کشور در ۱۹۱۸ میلادی برای ایجاد دیوار هویتی با ایران، بازنمایی‌های خلاف واقع برخی رسانه‌ها درباره کنشگری جمهوری اسلامی ایران در جنگ قراباغ و مناسبات ایران و ارمنستان و عدم وجود اعتماد و درک متقابل در سطح شایسته بین دو کشور و نقش آفرینی منفی شماری از کنشگران ثالث و

تأثیر همه این موارد در دریافت‌ها و ارزیابی‌های دو طرف از یکدیگر و پدید آمدن سطحی از بی‌اعتمادی متقابل، سبب شده است که بر خلاف اراده‌های معطوف به ارتقای همکاری‌ها در سطوح حاکمیتی دو کشور، به‌کارگیری موفق دیپلماسی عمومی از سوی جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشور همسایه با موانع جدی مواجه شود. بر اساس نتایج این پژوهش، تلاش برای رفع و یا عبور از این موانع در چارچوب اعتمادسازی، گفت‌وگوهای سیاسی، فرهنگی، و همکاری‌ها در حوزه‌های گوناگون از جمله مناسبات علمی و اقتصادی به‌ویژه با استفاده از راهکارهایی نظیر پیشبرد سیاست همسایگی در قبال جمهوری آذربایجان با کاربست ابزارهایی که در حوزه دیپلماسی عمومی تاکنون مغفول مانده و یا کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، می‌تواند راهگشا باشد.

۲. چارچوب مفهومی: دیپلماسی عمومی

توجه به دیپلماسی عمومی به دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی و به‌ویژه معرفی مفهوم قدرت نرم توسط جوزف نای بازمی‌گردد، اما ریشه‌های قدیمی‌تر به‌کارگیری قدرت نرم در چارچوب رویکردی که به دیپلماسی عمومی مشهور شد، به رقابت آمریکا و بلوک شرق در دوره جنگ سرد برمی‌گردد (Anderlić, 2012: 13).

دیپلماسی عمومی بر بنیان سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی یک کشور با هدف تصحیح برداشت مردمان دیگر کشورها و مثبت کردن نگاه‌ها نسبت به آن کشور شکل می‌گیرد. دیپلماسی عمومی چهره مردمی دیپلماسی سنتی است. دیپلماسی سنتی در پی تحقق منافع کشور از گذر تعاملات اختصاصی با حکومت‌های کشورهای دیگر است، در دیپلماسی سنتی مناسبات بین دولت‌ها یا نمایندگان آنها انجام می‌گیرد، در صورتی که در دیپلماسی عمومی این فعالیت به‌شکل غیر مستقیم و از طریق برقراری ارتباط با مردمان کشورهای دیگر و نفوذ در افکار عمومی آن کشورها انجام می‌شود (Ross, 2002: 75). سروکار دیپلماسی عمومی تنها با دولت‌ها نیست، بلکه بیشتر افراد و سازمان‌های غیردولتی را مخاطب قرار می‌دهد. به باور برخی متخصصان دیپلماسی عمومی دارای ظرفیت تأثیرگذاری بر دولت‌ها از طریق تأثیرگذاری بر شهروندان آنها، از جمله از طریق رسانه‌های اجتماعی امروزی است (Anderlić, 2012: 13). احتمالاً خلاصه‌ترین تعبیر درباره دیپلماسی عمومی چنین است: «دیپلماسی عمومی عبارت است از جذب دیگر مردم به جانب خود».

دیپلماسی عمومی در نهایت راجع به تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها و جهت‌گیری‌های دیگر مردم است (Melissen, 2006).

دیپلماسی عمومی ابزار مهم و البته نادیده گرفته‌شده برای ارتقای دموکراسی، امنیت و ثبات اقتصادی در جهان است (Matwiczak, 2010). دیپلماسی عمومی بر پایه این پیش‌فرض است که تصویر و شهرت یک کشور کالاهای عمومی هستند که می‌توانند محیط را برای بده‌وبستان‌های فردی، اعم از افراد حقیقی و حقوقی مهیا و یا نامساعد سازند. توجه به هر موضوعی در این چارچوب به تصویر کلی کشور تأثیر خواهد گذاشت و بازخورد آن نیز به همان موضوعات، هم در جهات مثبت و هم منفی بازخواهد گشت. برای مثال شهرت بریتانیا به‌منزله کشوری سنت‌مدار، برندهای بریتانیایی مرتبط با حوزه‌های میراث فرهنگی نظیر اسپری (Asprey) را یاری خواهد کرد که محصولات‌شان را بفروشند و از سوی دیگر تبلیغات آنها نیز شهرت بریتانیا را به‌مثابه کشوری سنت‌مدار تقویت خواهد کرد. همین‌طور شهرت نروژ در میانجیگری بین‌المللی سبب می‌شود که جناح‌های متخاصم در سری‌لانکا متقاعد شوند که این کشور یک میانجی صادق است که به‌نوبه خود به شهرت نروژ در صلح‌آفرینی کمک می‌کند (Leonard, 2002: 9). باید توجه داشت که «دیپلماسی» به‌طور ذاتی پدیده‌ای پویا و نوشونده است و دیپلماسی عمومی نیز به‌منزله وجهی از کلیت دیپلماسی واجد چنین مختصاتی است و در واقع محصول همین پویایی دیپلماسی در جهت کارآمدی است: مفهوم دیپلماسی به‌صورت شایان توجهی با متغیر زمان در جهت تطبیق با چالش‌ها و واقعیت‌های سیاست خارجی تکامل یافته است. کنش دیپلماتیک به‌مرور از مفهوم دیپلماسی سنتی فراتر رفته و به‌منزله کوشش یک دولت برای تدبیر محیط بین‌الملل از طریق تعامل با نخبگان دیگرکشورها درک می‌شود (Cull, 2009).

دیپلماسی عمومی به‌منزله یکی از شکل‌های جدید دیپلماسی در پی آن است که عرصه‌های سنتی کار دیپلماتیک را به تعامل در چارچوب ارتباطات دوسویه نه تنها با دولت‌های خارجی بلکه در درجه اول با مخاطبانی گسترده‌تر ارتقا دهد، چه به‌صورت مستقیم و چه از طریق بازیگران غیردولتی از معبر اطلاع‌رسانی و یا فعالیت‌های تحلیلی، آموزشی و فرهنگی، که همه اینها در خدمت تحقق اهداف سیاست خارجی است (Jelusic, 2010: 1).

تأکید بر مؤلفه «عمومی» در مفهوم «دیپلماسی عمومی» نباید منجر به نادیده انگاشتن و یا تقلیل نقش دولت در دیپلماسی عمومی شود: می‌دانیم که دیپلماسی عمومی در عرصه

«عمومی» رخ می‌دهد، اما برای اینکه «دیپلماسی» شود باید متضمن نقشی برای دولت باشد. باید مؤلفه نیت و یا مشارکت دولت در میان باشد که البته به‌طور ضروری به‌معنای دخالت دولت در کل مفهوم و یا اجرای پروژه نیست اما باید دولت دست‌کم نقشی را در این بین ایفا کند که برای مثال می‌تواند نوعی همکاری با شرکا در جامعه مدنی، شامل تأمین بودجه، مدیریت و یا جهت‌دهی باشد. دیپلماسی عمومی باید هدف یا پیام روشنی نیز داشته باشد. در فقدان دو مؤلفه - نقش‌آفرینی دولت و پیام آگاهانه - آنچه که به‌منزله دیپلماسی عمومی مد نظر است به یک قیل و قال در پس‌زمینه ارتباطات بین‌المللی تقلیل خواهد یافت (McDowell, 2008:8).

مراد ما از دیپلماسی عمومی تلاش‌هایی است که از سوی دولت یک کشور با طیف متنوعی از ابزارها برای مخاطب قرار دادن مردم کشورهای دیگر و ایجاد بستری مناسب برای گسترش روابط اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی صورت می‌گیرد. پس دیپلماسی عمومی نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت برای تحکیم ابعاد مختلف روابط بین‌کشورها است و هر جا که بستر فرهنگی مشترکی وجود داشته باشد، زمینه آن مساعدتر است. در این مسیر می‌توان به تلاش‌هایی برای بازخوانی اشتراکات تاریخی، اصلاح تصویر مخدوش شده یک کشور در طول زمان، استفاده از اشتراکات مذهبی، افزایش تعاملات فرهنگی و همکاری در حوزه حمل‌ونقل و انرژی، دست زد. با توجه به تعریفی که ارائه شد مردم جمهوری آذربایجان به دلیل وجود اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی می‌توانند مخاطب مناسبی برای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران باشند. دیپلماسی عمومی می‌تواند به شکل کارآمدی در خدمت محقق ساختن ظرفیت‌های بالقوه در روابط دو کشور قرار گیرد و زمینه رفع ابهام و سوءتفاهم‌های ایجاد شده برای افکار عمومی را در این کشور همسایه فراهم کند. در این مقاله امکان به‌کارگیری عوامل یاد شده در سطور پیشین در جهت بالفعل و اثربخش کردن ظرفیت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با جمهوری آذربایجان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. البته پیش از آن به مرور ظرفیت‌هایی که بستر مناسب را فراهم می‌کنند می‌پردازیم و نیز موانع پیش روی کاربرد موفق دیپلماسی عمومی را تا کنون بررسی می‌کنیم.

۳. ایران و قفقاز جنوبی: ضرورت کاربست دیپلماسی عمومی؛ به‌ویژه در ارتباط با سیاست همسایگی

اگر به نمودهای ظاهری مناسبات جمهوری اسلامی ایران و سه کشور قفقاز جنوبی نگریده شود، شمار زیاد دیدارهای صورت گرفته بین مقامات عالی، تعبیرهای مثبت به‌کار رفته برای توصیف مناسبات و تلاش‌ها برای صیانت از روابط دوجانبه، صحبت‌ها از اراده‌های معطوف به ارتقای مناسبات و فعالیت مداوم نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در هر سه کشور، با وجود تمامی فراز و نشیب‌های رخ داده در ۲۸ سال اخیر، وضعیت امیدوارکننده‌ای را در این حوزه به نمایش می‌گذارد، اما اگر به حجم تجارت و مناسبات اقتصادی و معیار و محک‌ها در حوزه مناسبات سیاسی و فرهنگی و علمی و نظامی و امنیتی نگریده شود وضعیتی مطلوب تهران با توجه به تلاش‌های صورت گرفته و ظرفیت‌های موجود نمایان نمی‌شود.

شرایط فعلی حاکم بر مناسبات اقتصادی ایران و همسایگان قفقازی با آنچه که در سال‌های نخست استقلال این کشورها در جریان بود بسیار متفاوت است. بدون شک کاهش مناسبات تجاری ایران با همسایگان فرآیندی بود که تنها بخشی از آن ناشی از تحریم‌های اعمال شده بر ضد جمهوری اسلامی ایران بوده است. مسئله‌ای که در ارتباط با دیگر ساحت‌های مناسبات حاکی از وجود نقصان‌هایی است که دامنه علت‌ها و دلایل آن از فقدان بخش خصوصی فعال و صادرکنندگان حرفه‌ای در ایران تا نبود اراده جدی در برخی همسایگان در آسان‌تر کردن مناسبات با جمهوری اسلامی ایران را دربرمی‌گیرد. سیاست همسایگی در همین چارچوب در صدد بهبود روابط است. سیاست همسایگی که ایجاد آن نه بر اساس امنیت که بر پایه اقتصاد در تعامل با کشورهای همسایه صورت می‌گیرد (موسوی، ۱۳۹۶) و البته تأکید بر اقتصاد به‌معنای تقلیل سایر وجوه نیست (بیکدلی، ۱۳۹۷) و در ضمن باید به تفاوت‌های همسایه و همسایگی توجه داشت: «در شرایطی که همسایه بر اساس یک قالب فیزیکی - جغرافیایی تعریف می‌شود، همسایگی به‌معنای یک مفهوم هنجاری است که برای تحقق آن نیاز به اراده همسایگان است» (بیکدلی، ۱۳۹۶). بنابراین تحقق رابطه همسایگی معطوف به اضلاعی شامل بر «اراده طرفین»، «ارتباطات فرهنگی و جغرافیایی» و «همکاری اقتصادی» است که بر محور اقتصاد شکل می‌گیرد. سیاستی که برای پیشبرد آن بهره‌مندی از جایگاهی مناسب در افکار عمومی کشور مخاطب یک ضرورت است. شواهد حاکی از آن است که یکی از خلأهای موجود در مناسبات ایران و

جمهوری آذربایجان برخوردار ایران از جایگاهی در خور ظرفیت و منزلت روابط دو کشور در افکار عمومی جمهوری آذربایجان است. مسئله‌ای که تحقق اهداف سیاست همسایگی را نیز با دشواری مواجه می‌کند. تصویری که در سطوح مختلف از نخبگان سیاسی و حکومتی تا فضای عمومی دست کم عاملی یاریگر در شکل‌گیری و بالیدن مناسبات فیمابین محسوب نمی‌شود. پدیده‌ای که ارتباط مستقیم با مقوله دیپلماسی عمومی دارد و البته محصول یک فرآیند پیچیده و در برخی ابعاد مدیریت شده با مختصاتی بین‌المللی است.

بهبود تصویر و جایگاه ایران در افکار عمومی جمهوری آذربایجان مؤلفه مهمی برای زمینه‌سازی جهت ارتقای روابط دو کشور و گذر از موانع آن است. فرآیندی که به‌طور مستقیم در چارچوب دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود. در عین حال باید توجه شود که موفقیت و اجرایی شدن آن وابسته به تحقق پیش‌نیازهایی است که از معبر اراده‌های جدی و مشخص حکومتی محقق‌شدنی است.

۴. ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ایران در قبال جمهوری آذربایجان

تعدد و تنوع اشتراکات ایران و جمهوری آذربایجان به حدی است که وضعیت این کشور را در مقایسه با عمده همسایگان جمهوری اسلامی ایران از منظر این شاخص‌ها بسیار متفاوت کرده است. اشتراکاتی که مطلع و فصل مشترک سخنرانی‌های رسمی در محافل سیاسی و یا علمی و محتوای مکتوب اعم از مقالات و کتاب‌ها و یادداشت‌ها در خصوص روابط دو کشور را تشکیل می‌دهد.

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان را می‌توان به دو دسته فرهنگی و اقتصادی با شاخص‌های مختلف تقسیم کرد که شامل «تاریخ مشترک»، «پیوندهای فرهنگی»، «پیوند در دین و مذهب» و «روابط اقتصادی و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای» است (کرم‌زادی و خوانساری فرد، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۷۶). پیوندهای فرهنگی ایران و جمهوری آذربایجان از آیین‌ها و رسوم مردم دو کشور از نوروز و جشن‌ها و سوگواری‌ها تا مؤلفه‌های موجود در زندگی روزمره نظیر پوشش و تغذیه و آشپزی را دربرمی‌گیرد. اشتراک در دین و مذهب از اکثریت مطلق مسلمان تا اکثریت بارز شیعه در هر دو کشور را شامل می‌شود. سنت زیارت بقاع متبرکه و علاقه و اشتیاق چشمگیر شیعیان جمهوری آذربایجان به زیارت مرقد امام رضا (ع) و افتخار آنان به قرار داشتن مرقد بی‌بی هیبت یا

حکیمه خاتون و مرقد بی بی رحیمه در کشورشان که به باور مردم جمهوری آذربایجان خواهران امام رضا (ع) هستند، از مصادیق اشتراکات در اعتقادات و باورهای مردم دو کشور است (حسینی تقی آباد، ۱۳۹۱: ۵۰). نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی و تاریخی سبب شده که در کنار پیوندهای زبانی و مردمی، در عرصه‌هایی نظیر موسیقی و هنرهای سنتی همچون قالیبافی، اشتراکات بی‌شماری در بین دو کشور به نمایش گذاشته شود. اشتراکاتی که هم زمینه‌ساز پیوند است و هم در پاره‌ای موارد به سوءتفاهم‌ها و ناخرسندی‌هایی در مناسبات دوجانبه منتهی شده است. اما جدای از سوابق و کارکرد این مؤلفه‌ها شکی وجود ندارد که یکایک آنها در آنچه دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود می‌توانند به مثابه مؤلفه‌هایی مثبت و مؤثر به کار گرفته شوند.

۵. موانع کاربست موفق دیپلماسی عمومی ایران در قبال جمهوری آذربایجان

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در حدود سه دهه سپری شده از استقلال این کشور، متناسب با ظرفیت‌های موجود در روابط نبوده است. الگویی از مناسبات که پس از نیمه دهه نود میلادی بر روابط دو کشور حاکم بوده است هنوز بر مناسبات سایه افکنده است.

از سال ۱۹۹۵ تحت تأثیر نظام معنایی منفی حاصل از یک مجموعه عوامل مادی (بحران قراباغ، رژیم حقوقی دریای خزر، اخراج ایران از کنسرسیوم نفتی جمهوری آذربایجان، دستگیری سران حزب اسلامی و دادن نسبت جاسوسی به آنان، تصویب قوانین غیردینی در جمهوری آذربایجان و بسته شدن قرارداد امنیتی و نظامی جمهوری آذربایجان با ترکیه و اسرائیل، عضویت جمهوری آذربایجان در طرح مشارکت صلح ناتو و تأثیرپذیری از سیاست‌های آمریکا)، عوامل ارزشی و هنجاری (تاریخ و فرهنگ دو کشور، اسلام سیاسی در ایران، ماهیت غیردینی رژیم جمهوری آذربایجان، هویت قومی، هم‌سویی جمهوری آذربایجان با ماهیت اجتماعی نظام بین‌الملل)، تحول اساسی در ماهیت روابط دو کشور (امنیتی شدن روابط) شکل گرفت که سبب گذار روابط و تنزل جایگاه ایران در میان شریک‌های تجاری جمهوری آذربایجان شد (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۷۶).

به موازات روابط پرچالش دو کشور، بخش‌هایی از فضای رسانه‌ای جمهوری آذربایجان به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با هویت و تاریخ، رویکرد دوستانه‌ای نسبت به جمهوری

اسلامی ایران دنبال نکرده‌اند و برآیند تمام این مؤلفه‌ها در مخدوش شدن تصویر ایران در افکار عمومی جمهوری آذربایجان مؤثر بوده است. بی‌گمان دیدگاه افکار عمومی جمهوری آذربایجان تحت تأثیر فضاسازی‌ای که بر اساس مستندات و شواهد مختلف، نادرست و غیرموتق است، نسبت به آنچه که شایسته‌ی ایران است فاصله زیادی دارد و نقشی مخمل در منظومه مناسبات طرفین ایفا می‌کند. در ادامه به شماری از موانع مهم در مسیر موفقیت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان پرداخته می‌شود.

۱.۵ میراث تزاری - شوروی و بازنمایی‌های تاریخی

تلقی‌های موجود در افکار عمومی جمهوری آذربایجان محصول فرآیندهایی است که بخشی از آن حاصل فعالیت‌هایی است که در دوره تزاری، بعد از انضمام قفقاز به قلمرو روسیه در جهت نابودی جایگاه ایران در افکار عمومی مردمان قفقازی به‌ویژه مسلمانان جنوب و شرق قفقاز که پیوندهای بیشتری با ایران داشته‌اند، صورت گرفته است و در دوره شوروی نیز تشدید شده است. میراث افکار و عملکرد فرقه دموکرات آذربایجان یکی از مثال‌های عینی تحولات دوره شوروی است که تا به امروز باقی مانده است. در عین حال برخی وجوه این رویکردها در دوران پس از استقلال نیز تداوم یافته و ابعاد جدیدی نیز پیدا کرده است. انباشت روایت‌های یکسونگرانه و جانبدارانه در فقدان روایت ایرانی فرازهای مهم تاریخ منطقه، شرایط را به گونه‌ای رقم زده است که بسیاری از مستندات و حقایق روشن نیز در این ازدحام و آوار روایت‌های برساخته از دیده‌ها پنهان مانده‌اند. برای نمونه: «اکنون، نوبت سلسله‌ی ترک‌تبار دیگری بود تا کنترل آذربایجان و ایران را به دست گیرد و در مقام اعاده حاکمیت بر گرجستان و قفقاز برآید. آقامحمدخان قاجار، در سال ۱۷۹۶ تاجگذاری کرد. هم قاجارها و هم امپراتوری عظیم روسیه، قصد تصرف قفقاز جنوبی را داشتند و دیری نپایید که قاجارها در برابر امپراتوری روسیه قد علم کردند. این رقابت، آذربایجان را به صحنه‌ی خونین نزاع دو ابرقدرت تبدیل کرد. نقشه سیاسی منطقه در حال تغییر بود. آذربایجان به‌عنوان وجه‌المصالحة جاه‌طلبی‌های دو امپراتوری متخاصم، به دو نیم تقسیم شد. شمال آن، تحت سلطه‌ی روسیه درآمد و جنوب آن، در اختیار ایران باقی ماند» (ویلسون، بی تا: ۴۷).

گفتنی است که روایت یاد شده از جنگ‌های ایران و روس در واقع خوانش رسمی از این رویداد در تاریخ‌نویسی جمهوری آذربایجان است که ضمن تأکید بر ماهیت مستقل

آذربایجان در اوان قاجار، در شرایطی که آذربایجان تاریخی که در جنوب ارس واقع شده است همواره بخشی از جغرافیای رسمی ایران بوده و هست، مدعی وجود یک آذربایجان واحد در دو سوی ارس در ایام مذکور مجزا از ایران می‌شود که توسط قاجارها به‌علاوه «ایران» زیر سلطه قرار می‌گیرد و در نتیجه جنگ‌های ایران و روسیه، با دو پارگی خویش وجه‌المصالحه دو قدرت می‌شود. این روایت در کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان نیز مورد تأکید قرار دارد.

در کتاب درسی کلاس پنجم دبستان این کشور که «تاریخ آذربایجان» و همچنین «آتایوردو» نام دارد در مقدمه کتاب تحت عنوان «وطنم آذربایجان» آمده است:

آذربایجان در گلستان از شیرین‌ترین نعمات خود یعنی استقلال، دولت و هستی سیاسی‌اش محروم شد. خلق من به زندگی بی‌وطن در وطنش محکوم شد. دشمن برای پاک کردن عبارت آذربایجان واحد تلاش کرد. به سرزمین واحد نام‌های جدید داده شد. به آذربایجان من نام‌های آذربایجان روسیه و آذربایجان ایران داده شد. در گلستان و ترکمانچای قصد بزرگی علیه آذربایجان در کار بود. زبان‌ام، مکتب‌ام، نام‌ام از دست‌ام گرفته شد. ملت‌ام را در آسیاب استعمار، آسیاب ظلم، آسیاب مرگ له کردند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶).

در درس سی و دوم این کتاب با عنوان «گلستان» آمده است:

هیچ‌یک از خان‌نشین‌های آذربایجان به این‌که همه خلق را برخیزاند، فکر نمی‌کرد. در کشور نیرویی که بتواند کشور را متحد کند، وجود نداشت. خلق بی‌رهبر در هر جای کشور در مقابل جلادان تزار و اشغالگران ایرانی مقاومت و برای آزادی سرزمین عزیز از یوغ بیگانگان تلاش می‌کردند. اشغالگران ایرانی در خونریزی از جلادان تزار عقب نمی‌ماندند (احمدی، ۱۳۹۶: ۳۸).

در مقدمه کتاب تاریخ سال نهم متوسطه جمهوری آذربایجان در صفحه ۵ آمده است:

آذربایجان سرزمینی قدیمی است. از نظر تاریخی، آذربایجان در شمال با داغستان، در جنوب با ایران مرکزی و در غرب با گرجستان، ارمنستان فعلی و ترکیه؛ در شرق نیز با دریای خزر احاطه شده است. در نتیجه جنگ‌های ایران و روسیه و با معاهدات گلستان و ترکمانچای، خاک آذربایجان به دو قسمت تقسیم شد. از آن زمان مفاهیم جغرافیایی آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی مطرح شده است. بعد از این،

آذربایجان در ترکیب روسیه و ایران راه‌های مختلف خودیابی را طی کرده است (شهرتی‌فر، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

در ص ۲۱۸ این کتاب درسی در خصوص معاهده ترکمانچای نیز نوشته شده: «با تقسیم خلق آذربایجان به دو قسمت و الحاق شدن به ترکیب امپراتوری‌های مختلف، معاهده ترکمانچای برای سرنوشت بعدی ملت‌مان نقش فاجعه‌آمیز ایفا کرد» (شهرتی‌فر، ۱۳۹۶: ۱۲۸). در صفحه ۳۹ کتاب تاریخ کلاس دهم جمهوری آذربایجان نیز آمده است: «هر دو جنگی که میان روسیه و ایران برای به چنگ آوردن ثروت‌های گرانبهای خاک مادری‌مان انجام می‌یافت، در خاک‌های آذربایجان - شمالی و جنوبی - انجام می‌شد» (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

چنانکه ملاحظه می‌شود در روایت‌ها راجع به قرن نوزدهم، ایران و روسیه به‌منزله دو قدرت اشغالگر و دشمن آذربایجان معرفی می‌شوند. شاید چنین برداشت شود که ایران و روسیه در تاریخ‌نویسی معطوف به دولت - ملت‌سازی در جمهوری آذربایجان شرایط مشابهی دارند اما این یک خطاست، زیرا مؤلفه روسیه در تاریخ جمهوری آذربایجان مربوط به حداکثر چهار قرن اخیر است و پرداختن به آن نیز در مقایسه با مؤلفه ایران بسیار محدود است و در ضمن مردم جمهوری آذربایجان که زبان روسی هنوز زبان دوم آنها است و ارتباطات تنگاتنگی با روسیه دارند، تلقی و دریافت‌های خود، مثبت یا منفی را از تاریخ و مرادوات با روس‌ها دارند و نقش‌آفرینی رسانه‌ها و کتاب‌های درسی در شکل‌گیری یک تصویر و وجهه از روسیه کمرنگ‌تر از ایران است که ارتباطات محدود و جدایی‌ها بیشتر بوده است. به هر روی مؤلفه‌ی ایران در بسیاری از آثار تاریخ‌نویسی رسمی و سراسر کتب درسی جمهوری آذربایجان به‌صورت مداوم سیاه‌نمایی می‌شود، سیاه‌نمایی‌ای به اعماق تاریخ کهن همزیستی و پیوند مردمانی که اکنون ایرانی و جمهوری آذربایجانی نامیده می‌شوند.

در کتاب «الهام؛ سیمای یک رئیس‌جمهور» به‌منزله یکی از نمونه‌های تاریخ‌نویسی رسمی، برآمدن سلسله ساسانی چنین توصیف می‌شود: «ستاره اقبال آذربایجان رو به افول گذاشته بود و کشور در حال ورود به یکی از تاریک‌ترین دوران‌های تاریخ خود بود» (ویلسون، بی‌تا: ۲۳). در صفحه ۴۷ کتاب کلاس پنجم دبستان در درس هشتم که «جوانشیر» نام دارد آمده است: «در قرن هفتم تاریخ ما، آلبانیا در حال توسعه بود. لیکن آلبانیا در وضعیت نیمه‌وابسته به ظالمان ایران بود. حکمرانان آلبانیا با قوانین خود کشور را اداره

می کردند اما هر سال به ایران مالیات می دادند» (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۱). تصویری که از ورود فاتحان مسلمان و شکست ساسانیان نیز ارائه می شود تصویری منفی از ورود آیین اسلام به این خطه است (صدرمحمدی، ۱۳۹۶: ۸۰).

یکی دیگر از مصداق های دشمن سازی از ایران در تاریخ جمهوری آذربایجان با جابجا کردن جغرافیای ماساژت ها از بیابان های خوارزم به قفقاز کنونی و تطبیق آنها بر جغرافیای آلبانیای قفقاز صورت می گیرد. در کتاب الهام سیمای یک رئیس جمهور درباره دوره هخامنشی چنین آمده است:

کوروش دوم ملقب به کوروش کبیر، فرمانروای امپراتوری هخامنشی، سیاست توسعه طلبانه ای را تعقیب و با فتح سرزمین های وسیعی که از مصر در غرب تا رود سند در شرق امتداد داشت، بزرگ ترین دولت جهان آن روز را تاسیس کرده بود. با این حال، در برابر ماساژت ها و سکاها، بخت با کوروش یار نبود. تلاش زیرکانه وی برای تسلط بر پادشاهی ماساژت از طریق پیوند ازدواج با تومیریس، بیوه فرمانروای ماساژت، موفقیت آمیز نبود و پادشاهی آذربایجانی، موفق به در هم کوبیدن ارتش ایران، به رغم تفوق آن از حیث نفرات شد. این جنگ که شخص کوروش نیز طی آن جراحی مرگبار برداشت، به عنوان یکی از بزرگترین نبردهای تاریخ آذربایجان شناخته می شود (ویلسون، بی تا: ۲۲).

درس پنجم کتاب کلاس پنجم دبستان جمهوری آذربایجان، با عنوان «غیرت ننه تومیریس» به این موضوع اختصاص یافته است. در صفحه ۳۴ کتاب آمده است:

در زمان های قدیم در سواحل غربی خزر در شمال رودخانه کور یکی از اجداد پدران ما ماساژت ها می زیسته اند. حکمران ایران، کوروش پس از اشغال اراضی جنوب در اندیشه به دست آوردن شمال کشور و به انقیاد درآوردن ماساژت ها بود. حکمران ماساژت ها در این زمان تومیریس بود. او پس از مرگ شوهرش در این کشور پادشاهی می کرد

نویسنده کتاب در ادامه ماجرای پیام های رد و بدل شده بین کوروش و تومیریس را نقل می کند و در صفحه ۳۶ ادامه می دهد:

تومیریس شنید که شاه به نصایح او گوش نداده است. لذا او با همه قوا وارد نبرد با ایرانیان شد. سرانجام ماساژت ها پیروز شدند. می توان گفت که تمام قوای ایران در میدان نبرد منهدم شد و کوروش هم کشته شد. تومیریس مشک شراب را از خون

انسان پر کرد و فرمان داد ایرانیان به هلاکت‌رسیده از جمله جسد کوروش را پیدا کنند. پس از یافتن جسد کوروش، حکمران فرمان داد که سر او را ببرند و در داخل مشک بیندازند. سپس تومیریس خطاب به جسد کوروش تمسخرکنان گفت: من پیروز شدم و به همین دلیل ببین، نگاه کن، بر حرفم صادق می‌مانم، و تو را در خون غوطه‌ور می‌کنم.

در صفحه ۳۸ نقاشی تومیریس و سر بریده کوروش نیز چاپ و کنار آن نوشته شده است: «عاقبت حکمران خون‌آشام که می‌خواست وطن ما را اشغال کند» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۹-۲۰).

بدیهی است که ارائه چنین روایت‌هایی از تاریخ و تلقین آنها به دانش‌آموزان و مردم نمی‌تواند زمینه‌ساز خوش‌بینی و همدلی در افکار عمومی این کشور نسبت به همسایه‌ای شود که بیشترین پیوندها را با یکدیگر دارند و حکومت‌های دو طرف در دوران پس از فروپاشی شوروی همواره بر حسن همجواری و به‌رسمیت شناختن تمامیت ارضی و استقلال یکدیگر پای فشرده و بر آن تأکید کرده‌اند. رویکردی که تنها به نقاط عطف تاریخی گلستان و ترکمانچای محدود نمی‌شود و روایت‌های پرشمار غیرمعتبر از گذشته مشترک دو کشور در جای‌جای کتاب‌های درسی تاریخ جمهوری آذربایجان بر تفرق و خصومت تأکید می‌کنند و سرمایه تاریخ مشترک را به‌منزله سیاهه‌ای از مظلومیت یک طرف و سلطه‌جویی طرف دیگر می‌نمایانند.

موضوع بازنمایی منفی از ایران در کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان و معرفی ایران به‌منزله دیگری از دید پژوهشگرانی از کشورهای ثالث نیز دور نمانده است: با در نظر گرفتن این واقعیت که «ملت» آذربایجان معاصر توصیف‌شده توسط مولفان کتاب‌های درسی ریشه در دورانی کهن و به‌شکلی پیوسته دارد، تضادهای قومی و دشمنی‌های توصیف‌شده در این کتاب‌ها به تمامی تاریخ کهن ارائه‌شده از این جامعه - قوم، تسری می‌یابد. در این بین ایران در فهرست «دیگری‌ها» یک عضو شاخص است (Vesely, 2008: 37). فضایی که در برهم‌نهی با هججه‌های رسانه‌ای قدرت‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، به پرورش و بالیدن نسل‌هایی در کشور همسایه منجر می‌شود که در اساس نمی‌توانند به همسایه هم‌کیش خود نگاهی بدون پیش‌داوری و بغض داشته باشند. جدای از این‌که در بخش‌هایی از این آموزه‌ها ایران نه به‌منزله یک کل درهم‌تنیده بلکه به‌مثابه یک کشور مبتلا به تفرق‌های قومی و فرهنگی نمایش داده می‌شود که تصویری مخدوش از ایران را در ذهن مردم جمهوری آذربایجان نهادینه می‌کند: «در کتاب درسی تاریخ سال دهم

تحصیلی جمهوری آذربایجان، فرهنگ آذربایجان ایران به صورت کامل مجزا و مستقل از فرهنگ ایرانی نمایانده می شود در شرایطی که تردیدی نیست که جزئی از آن است» (Vesely, 2008: 48-50).

۲.۵ میراث ایلچی بیگ

عمده ترین بحران جمهوری آذربایجان که شروعش به قبل از فروپاشی شوروی بازمی گشت درگیری ها در قراباغ بود. جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست نخستین رئیس جمهوری آذربایجان در دوران پس از استقلال، ایاز مطلباف (۳۰ اوت ۱۹۹۱ تا ۶ مارس ۱۹۹۲)، حضور فعالی در حل و فصل بحران قراباغ داشت (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۳). در این بین رویدادهایی در مناسبات با برخی از این کشورها رخ داد که سناریوهای بدبینانه در خصوص آینده روابط را به واقعیت نزدیک کرد. به قدرت رسیدن ابوالفضل ایلچی بیگ در خلاً سیاسی پس از فروپاشی شوروی و شدت گیری درگیری نظامی در قراباغ، مهم ترین اتفاق در چارچوب رقم خوردن چشم اندازهای بدبینانه بود. اما میراث او لطمه جدی به مناسبات در حال تکوین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان زد.

ابوالفضل ایلچی بیگ یک شرق شناس و متخصص زبان عربی با گرایش های شدید ترک گرایانه بود که در ژوئن ۱۹۹۲ به ریاست جمهوری برگزیده شد، در شرایطی که کشور تازه استقلال یافته جمهوری آذربایجان در شرف فروپاشی بود. او جدای از شعارهای پان ترکی، به دنبال نزدیک سازی بیشتر جمهوری آذربایجان به ترکیه، ایالات متحده و اسرائیل بود، رویکردی که هر دولتی را در تهران حساس می کرد. ایلچی بیگ با نادیده گرفتن هنجارهای دیپلماتیک، آشکارا آذری های ایران را به مبارزه برای استقلال دعوت می کرد. شعارهای پان ترکی ایلچی بیگ و اقدام وی به سرکوب نیروهای متمایل به ایران در باکو، موجب ناخرسندی شدید تهران شد و روابط ایران و جمهوری آذربایجان به سردی گرایید (Abedin, 2004). ایلچی بیگ در خصومت ورزی با ایران آن قدر جدی بود که حتی در دیدارها با شخصیت های ایرانی نیز هیچ گونه پرده پوشی نمی کرد. در کتاب خاطرات حاج علی اکرام علی اف به سفر آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی به جمهوری آذربایجان در نوروز ۱۳۷۰، در واپسین ماه های حیات شوروی، و دیدار ایشان با ابوالفضل ایلچی بیگ به منزله یکی از فعالان شاخص سیاسی و از چهره های سرشناس مخالف شوروی در این جمهوری و دعوت از او برای سفر به ایران و دستیابی به شناخت نزدیک و واقعی از ایران

اشاره شده که ایلچی بیگ در پاسخ می‌گوید: «نه با شما کاری نداریم» و بعد از مکثی می‌افزاید: «من زمانی به ایران خواهم آمد که آذربایجان را از دست فارس‌ها بگیرم و به آذربایجان خودمان ملحق کنم و آذربایجان بزرگ و واحد را بر روی نقشه جغرافیا پدید آورم» (علی‌اف، ۱۳۸۵: ۱۱۸). عملکرد او بعد از رسیدن به ریاست جمهوری نشان داد که به این گفته‌های‌اش پایبند است و در شرایطی که نیروهای جمهوری آذربایجان در جنگ قراباغ متحمل شکست‌های پیاپی می‌شدند او از لفاظی علیه جمهوری اسلامی ایران و دنبال کردن توهم تجزیه آذربایجان از ایران دست نمی‌شست. در ربع قرن سپری شده از سقوط ایلچی بیگ، میراثداران او و همچنین میراثداران میرباقر جعفراف‌ها که دست‌اندرکار انضمام مناطق شمال غربی ایران به شوروی بودند، کماکان زیر عناوین و تابلوهای مختلف از روزنامه‌نگار تا فعال سیاسی در حال انجام تبلیغات ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان هستند، افراد و جریان‌هایی که در برهه‌هایی نیز دولت جمهوری آذربایجان اقداماتی برای مهار آنان صورت داده است اما هیچ‌گاه فعالیت‌های آنان خاتمه نیافته است و در سال‌های اخیر نیز به موازات افزایش فشارهای آمریکا و متحدان آن بر جمهوری اسلامی ایران بر دامنه تکاپوهای بین‌المللی آنان افزوده شده است.

۳.۵ بازنمایی تحریف‌آمیز مؤلفه ایران در منازعه قراباغ

در افکار عمومی جمهوری آذربایجان بازنمایی که درباره نقش جمهوری اسلامی ایران در جنگ قراباغ صورت گرفته است دال بر حمایت ایران از طرف ارمنی جنگ بوده است و حتی تلاش‌های ایران برای ایجاد آتش‌بس در قالب «بیانیه تهران» که با شیطنت صورت گرفته برای بر هم زدن این توافق از طریق اشغال شوشی بر هم خورد، نیز توسط عمده رسانه‌های این کشور اقدامی خصمانه نمایانده می‌شود. در صورتی که قراباغ بحرانی بود که پیش از فروپاشی شوروی آغاز شد و جمهوری اسلامی ایران را با پیامدهای جنگ دو همسایه در جوار مرزهایش روبرو کرد.

تهران در جریان این بحران با فعال کردن دیپلماسی شاتل و استفاده از ارتباطات حسنه با دو طرف درگیر موفق شد با میانجیگری رئیس جمهور وقت ایران، اکبر هاشمی رفسنجانی، توافقی موسوم به «بیانیه تهران» را میان یعقوب محمداف، کفیل وقت ریاست جمهوری آذربایجان و لؤن ترپتروسیان، رئیس جمهور وقت ارمنستان برای قطع درگیری‌ها و برقراری

صلح در ۷ مه ۱۹۹۲ حاصل کند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). توافقی که یک روز بیشتر دوام نیافت:

مقامات بلندپایه‌ی ارمنستان و [جمهوری] آذربایجان برای مذاکره صلح در ۱۶ مارس به تهران راهی شدند. در حالی که تلاش‌های مقامات ایرانی برای صلح ادامه داشت نبردها در نقاط مختلف به‌ویژه در اطراف استپاناکرت (خان‌کندی) جریان داشت. تلاش‌های ایران برای صلح به امضای توافقنامه ۸ ماده‌ای در تاریخ ۷ مه منجر شد. ولی هنوز چند ساعتی از امضای این توافقنامه نگذشته بود که با حمله نیروهای ارمنی به شهر شوشی امکان حل و فصل مسالمت‌آمیز در این مرحله منتفی شد (یونانسیان، ۱۳۹۶: ۲۷۷).

با سقوط شوشی در ۸ مه ۱۹۹۲ مهم‌ترین پایگاه نیروهای آذربایجانی در کل قراباغ سقوط کرد و نه تنها بیانیه تهران منتفی شد بلکه فضای سیاسی جمهوری آذربایجان دستخوش تحول دیگری شد و تغییرات در رأس قدرت سرعت بیشتری یافت.

درباره ماجرای سقوط شوشی و پشت پرده‌های آن شواهد و گمانه‌زنی‌های پرشماری وجود دارد که حاکی از عملیاتی شدن سناریوی حذف جمهوری اسلامی ایران از فرآیند صلح‌سازی در جنگ قراباغ است، که این نتیجه با قطع کنشگری ایران در بحران قراباغ به‌منزله یک میانجی و عنصر تأثیرگذار مستقیم به‌دست آمد. در پی این رویداد نه تنها ایران به‌منزله تنها کشور هم‌مرز با بحران قراباغ از گردونه کنشگران سیاسی این ماجرا خارج شد بلکه بیانیه تهران و سقوط شوشی به یکی از دستاویزهای رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان تبدیل شد. در نهایت آتش‌بس قراباغ توسط گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا با ریاست مشترک روسیه و ایالات متحده و فرانسه، تأمین و تضمین شد. موضع نهادینه شده در افکار عمومی جمهوری آذربایجان در قبال سیاست و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران قراباغ محصول همان فعالیت‌های پردامنه و ممتد رسانه‌های ضد ایرانی در بازنمایی‌های خلاف واقع است. موضعی که مسئولان ایرانی در جهت تصحیح آن به کوشش‌هایی در چارچوب دیپلماسی دست زده‌اند (Kucera, 2013).

یکی از مقامات ایرانی که در این باره صحبت کرده است منصور حقیقت‌پور مستشار نظامی ایران در جمهوری آذربایجان در دوره جنگ قراباغ است، او در مصاحبه‌هایی جزئیاتی را از حضور نظامی ایران در حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ قراباغ ارائه کرده است که آخرین مورد آن به مصاحبه او با نشریه وطن یولی در ۱۳۹۵ بازمی‌گردد که

در ۱۵ فروردین ۱۳۹۶ در وبگاه آذری‌ها بازنشر شده است (آذری‌ها، ۱۳۹۶). در ۷ آوریل ۲۰۱۶ ویدئویی کوتاه از حضور منصور حقیقت‌پور در کنار حیدر علی‌یف در حال سان دیدن از نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان و سخنرانی نامبرده در جمع رزمندگان جمهوری آذربایجان در خلال جنگ قراباغ در سایت یوتیوب منتشر شد.

۶. راهکارها

در ادامه راهکارهایی جهت مقابله با موانع یادشده و زمینه‌سازی جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌های شایان توجه در خدمت ارتقای دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات با جمهوری آذربایجان ارائه می‌شود.

۱.۶ بازخوانی سوابق همراهی‌ها و همکاری‌ها

پرداختن به بخش‌های مکتوم نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در بزنگاه‌های تاریخ جمهوری آذربایجان یک ضرورت در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قبال این کشور است. نقش‌آفرینی که حتی به دوران پیش از فروپاشی رسمی اتحاد شوروی بازمی‌گردد و مواردی نظیر کمک به اطلاع‌رسانی بین‌المللی فاجعه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۹ در کشتار مردم باکو توسط ارتش سرخ را شامل می‌شود. آنجا که با وجود بایکوت سنگین رسانه‌ای اعمال‌شده از سوی اتحاد شوروی، نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در باکو در اقدامی به‌هنگام، خبر این فاجعه را به خارج از دیوار آهنین انتقال داد و نقطه‌ای عطف را در تاریخ جمهوری آذربایجان رقم زد.

فعالیت‌های پر دامنه نهادهایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز از مواردی است که هر چند بدان‌ها پایان داده شده است، اما مستندسازی و معرفی دستاوردها و نتایج آنها به‌ویژه در دوران دشوار پیشین این کشور ضرورت دارد. علی‌حسین‌اف، معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان در ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۲ در مراسم اختتامیه فعالیت بیست‌ساله این نهاد در جمهوری آذربایجان گفته بود: «ما کمک‌های کمیته امداد را فراموش نمی‌کنیم. اگر فراموش کنیم این غیر انسانی است. اساساً این کمک‌ها فراموش‌نشده است و در اذهان ما همچون تاریخ باقی خواهد ماند» (بنیاد مطالعات قفقاز، ۱۳۹۲). وی همچنین خاطرنشان ساخته بود: «کمیته امداد امام خمینی و هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از نخستین

نهادهای بشردوستانه‌ای به‌شمار می‌روند که در سخت‌ترین شرایط در کنار جمهوری آذربایجان قرار گرفتند و به مردم این کشور کمک کردند» (خبرگزاری ترند، ۲۰۱۴).

۲.۶ تلاش برای اصلاح تصویر مجعول ایران در کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان

در شرایطی که بازنمایی‌های تحریف‌آمیز از تاریخ و یا مسایل روز ایران در رسانه‌های دیگر کشورها می‌تواند با ارجاع به آزادی‌های رسانه‌ای و هژمون رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، توجیه شود اما آنچه که در ادبیات رسمی و به‌ویژه نظام آموزشی دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای دوست مطرح می‌شود، توجیه‌پذیر نیست و اصلاح آنها نیز غیر از پیشبرد همزمان گفت‌وگوهای نخبگان و کاربست ابزارهای مختلف دیپلماسی عمومی همراه با گفت‌وگوهای بین حکومت‌ها و تحقق پیش شرط‌های ضروری توسط حکومت‌ها مقدور نیست. اینجاست که چنان‌که پیش‌تر اشاره شد تلاش برای متقاعد کردن دولت جمهوری آذربایجان برای تجدیدنظر در ادبیات فوق در قبال ایران پیش‌نیازی برای کاربست موفق دیپلماسی عمومی ایران در جهت ایجاد فضایی مطلوب برای ارتباط با مردم جمهوری آذربایجان در خدمت ارتقای همه‌جانبه روابط دو کشور مطابق با منویات حکومت‌های دو طرف و در خدمت منافع مشترک محسوب می‌شود. در سال‌های گذشته با توجه به گرایش‌های مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران بارها زمزمه‌هایی مبنی بر تشکیل کمیسیونی مشترک با حضور اساتید و کارشناسان دو کشور برای بررسی این محتواها و تبادل نظر درباره آنها به گوش رسیده است، اما تاکنون نتیجه‌ای روشن مشاهده نشده است.

۳.۶ استفاده از ظرفیت‌های اشتراکات مذهبی و مکان‌های مقدس

از ظرفیت‌های ایران در حوزه دیپلماسی عمومی در قبال جمهوری آذربایجان می‌توان به علاقه و اشتیاق شیعیان جمهوری آذربایجان به زیارت مرقد هشتمین پیشوای شیعیان، امام رضا (ع) در مشهد مقدس و زیارت حضرت معصومه (س)، خواهر امام رضا (ع) در قم اشاره کرد. امکانات و ظرفیت‌هایی در آستان قدس رضوی برای زوار این کشور نظیر دیگر زوار خارجی در نظر گرفته شده است که ارتقا و بهبود آنها می‌تواند به پیشبرد دیپلماسی عمومی ایران در قبال جمهوری آذربایجان یاری رساند. سفرهای درمانی اتباع جمهوری

آذربایجان به ایران نیز از موارد اصلی در آمدوشدهای اتباع این کشور به ایران است. به نظر می‌رسد که لغو یک‌طرفه رژیم ویزا از سوی جمهوری اسلامی ایران در فوریه ۲۰۱۱، به‌منزله تسهیلی در جهت سفر اتباع این کشور به ایران اقدامی در چارچوب پیشبرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان بوده است. گفتنی است آمدوشد مرز نشینان جمهوری آذربایجان به شهرهای مرزهای ایران برای خرید برخی مایحتاج و اقلام اساسی یک امر روزمره است. شایان ذکر است که افزایش حضور اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بازار جمهوری آذربایجان با ارائه محصولات باکیفیت، ابزاری در خدمت دیپلماسی عمومی ایران خواهد بود. رهیافتی که به‌منزله یک سیاست چندبرداری توسط بسیاری از کشورها از جمله ترکیه دنبال می‌شود. برگزاری نمایشگاه‌های مختلف از حوزه‌های اقتصادی و تجاری تا فرهنگی و هنری که تاکنون نیز مورد توجه بوده است نیز از ابزارها در خدمت دیپلماسی عمومی است که برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفی و کمی آنها ضرورت دارد.

۴.۶ افزایش تعاملات فرهنگی

تبادل گروه‌های موسیقی و هنری بین دو کشور در سال‌های اخیر از حوزه‌های فعال مناسبات فرهنگی بوده است، و تجاری نظیر استقبال چشمگیر مردم جمهوری آذربایجان از سریال حضرت یوسف (ع) (فارس، ۱۳۸۹) نشانگر وجود ظرفیت‌های قوی در حوزه تعاملات فرهنگی با جمهوری آذربایجان است. با توجه به مشترکات فرهنگی دو کشور، پخش محصولات باکیفیت تصویری ایران به‌ویژه تولیدات فاخر سینما و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با دوبله ترکی آذربایجانی می‌تواند مورد استقبال مخاطبان جمهوری آذربایجانی قرار گیرد. با عنایت به آغاز پخش ۲۴ ساعته سیمای آذری شبکه جهانی سحر از ۳ خرداد ۱۳۹۴ (ایرنا، ۱۳۹۴) حمایت از تهیه و پخش برنامه‌های پریننده با دوبله‌های باکیفیت به زبان ترکی آذربایجانی در این شبکه می‌تواند به‌منزله ابزار خوبی در خدمت ارتقای دیپلماسی عمومی ایران در قبال جمهوری آذربایجان یاری‌رسان باشد. در عین حال که نباید از ضرورت استفاده از شبکه‌های مجازی و پخش اینترنتی برنامه‌های تولیدی ایران برای مخاطب جمهوری آذربایجانی اعم از مستندها و سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی غفلت شود.

جمهوری آذربایجان نیز مشابه بسیاری دیگر از کشورهای مسلمان‌نشین با تهدیداتی از سوی جریان‌های افراط‌گرای سلفی مواجه است، از این‌رو ایران به‌منزله یکی از مهم‌ترین سدها در برابر اشاعه فعالیت‌های این گروه‌ها باید مخاطبان جمهوری آذربایجان را یاری رساند. گفتنی است که نشانه‌هایی از همراهی دولت جمهوری آذربایجان در این حوزه ظاهر شده است که برای نمونه می‌توان به انتشار ترجمه ترکی آذربایجانی کتاب «وهابیت بر سر دو راهی» به قلم آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در جمهوری آذربایجان اشاره کرد (ایسنا، ۱۳۹۳).

۵.۶ افزایش همکاری‌ها در حوزه انرژی و حمل‌ونقل

بیش از ربع قرن تسهیلات اختصاص‌یافته از سوی تهران به باکو برای دسترسی ترانزیتی و تأمین انرژی و سایر نیازهای جمهوری خودمختار نخجوان که از لحاظ ارضی و جغرافیایی متصل به پیکره اصلی خاک جمهوری آذربایجان نیست، تجربه و سرمایه‌ای از اعتماد و همکاری را فراهم آورده است که در مهیا شدن و توسعه زمینه‌های رو به رشد همکاری‌های دو کشور در سال‌های اخیر نیز مؤثر بوده است. پرداختن به کارنامه همکاری‌های تهران با باکو در موضوع نخجوان به‌ویژه با توجه به اهمیت راهبردی نخجوان برای جمهوری آذربایجان، از عرصه‌های مناسب در حوزه دیپلماسی عمومی ایران است. به‌خصوص از آن‌رو که نخجوان به‌منزله خاستگاه خاندان علی‌یف و سرمنشأ تحولات مهم و سرنوشت‌ساز جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی شوروی، از لحاظ تاریخ سیاسی نیز در این کشور اهمیت ویژه‌ای دارد.

۷. نتیجه‌گیری

در مجموع به نظر می‌رسد که با توجه به گستردگی حوزه‌های درهم‌تنیدگی مناسبات دو کشور و اهمیت کاربست دیپلماسی عمومی در گره‌گشایی از مشکلات موجود بر سر راه ارتقای روابط، وجود عزم و اراده‌ای جدی در سطوح مختلف، از حکومت‌های دو طرف تا نخبگان علمی، فرهنگی و هنری با ضرورت رعایت پیش‌شرط‌هایی نظیر احترام به استقلال و حق حاکمیت دو طرف و رعایت حسن همجواری در عین پاسداشت رشته‌های پیوند و برادری، یک ضرورت است. فعال کردن گفت‌وگوهای بین‌نخبگان، زدودن رسوبات

تهدیدانگاری به‌جامانده از دوره شوروی نیز یک باید تعیین‌کننده است. با عنایت به اینکه در دوران شوروی گرایش مردم جمهوری آذربایجان به ایران تهدیدی علیه تمامیت شوروی محسوب می‌شد و در عین حال حاکمیت شوروی نگاهی الحاق‌گرایانه به بخش‌هایی از قلمرو ایران داشت، تولید محتوای ضد ایرانی و حمایت از جریان‌هایی نظیر فرقه در دستور کار حاکمیت شوروی بود، اما اکنون که جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۸ سال است که تمامیت ارضی و استقلال جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخته است و هم در کلام و هم در عمل ثابت کرده است که حسن همجواری و به‌رسمیت شناختن تمامیت ارضی همسایگان از اصول غیر قابل عدول سیاست خارجی آن است، جا دارد که برخی قالب‌های پوسیده و چارچوب‌های تاریخ مصرف گذشته در نگرش‌ها به ایران که میراث شوروی در این کشور است تغییر یابد و اراده‌های جدی در جهت شکوفایی ظرفیت‌های انبوه در مناسبات طرفین در خدمت به منافع دو کشور به‌کار گرفته شود و ایران نیز در این بین ضرورت دارد که با استفاده از تمامی امکانات موجود در جهت تصحیح نگرش مردم جمهوری آذربایجان به همسایه هم‌فرهنگ و نزدیک‌شان تلاش کند. اراده جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری سیاست همسایگی، هم‌افزایی متقابلی با به‌کارگیری دیپلماسی عمومی در مناسبات با کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران از جمله جمهوری آذربایجان دارد، که ضرورت دارد به این مهم توجه شود. نباید از خاطر برد که یکی از کلیدواژه‌های اصلی در دیپلماسی عمومی این است که به‌جای گفتن قصه‌مان راهی برای گفت‌وگو بیابیم، رهیافتی که اجرایی شدن آن در تحقق راهکارهای ارائه‌شده در این نوشتار بسیار مؤثر خواهد بود.

کتاب‌نامه

استقبال ۸۵ درصدی مردم جمهوری آذربایجان از فیلم حضرت یوسف (ع)، مصاحبه با مترجم سریال حضرت یوسف (ع) به ترکی آذربایجانی، خبرگزاری فارس، (۱۳۸۹/۸/۶)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۷/۴).

انتشار ترجمه آذری کتاب «وهابیت» تالیف آیت‌الله مکارم در باکو، ایسنا، <https://www.isna.ir/news/93101005405/> (۱۳۹۳/۱۰/۵)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۷/۲۶).

ایران در جنگ قراباغ یک هوایما پر از مهمات به جمهوری آذربایجان داد، مصاحبه با منصور حقیقت‌پور، وبسایت تحلیلی - خبری آذری‌ها،

<http://www.azariha.org/%D8%A8%D8%A7%DB%8C%DA%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C/i>
tem/1979 (۱۳۹۶/۱/۱۵)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۵/۲۱).

سیمای آذری شبکه جهانی سحر ۲۴ ساعته شد، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)،
۱۳۹۴/۳/۳)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۷/۱۵).

علی حسن‌اف: کمک‌های کمیته امداد را فراموش نمی‌کنیم، تقدیر از بیست سال فعالیت کمیته امداد امام
خمینی در جمهوری آذربایجان، وبسایت بنیاد مطالعات قفقاز،
<http://ccsi.ir/vdch.wn6t23nz6ftd2.html> (۱۳۹۲/۱۱/۳۰)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۴/۲۳).

مراسم تقدیر از نمایندگی کمیته امداد امام خمینی در باکو، خبرگزاری ترند،
<http://fa.trend.az/regions/iran/2244199.html> (۲۰۱۴/۲/۲۰)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۷/۲۳).

نیمه پنهان کنوانسیون خزر، روزنامه اعتماد، سه‌شنبه ۹۷/۶/۱۳، شماره ۴۱۷۵.
احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی (اقتصاد، دفاع، امنیت)، تهران:
انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بیکدلی، علیرضا (مرداد ۱۳۹۷)، پاسخ کتبی به پرسش نویسندگان مقاله.

بیکدلی، علیرضا (۱۳۹۶). «سیاست همسایگی فراتر از دیپلماسی؛ گزارش نشست سیاست همسایگی،
راهبرد پیشنهادی برای سیاست خارجی»، <http://www.scfr.ir/fa>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۶/۱۲).

حسینی تقی‌آباد، سیدمهدی (۱۳۹۱)، «حرم مطهر امام رضا (ع)؛ کانونی‌ترین مزیت دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان». برهان مبین، مجموعه مقالات همایش علمی
پژوهشی امام رضا (ع)؛ ادیان، مذاهب و فرق. تهران: انتشارات فرهنگ و تمدن، صفحات ۲۵-۵۴.
علی‌اف، علی‌اکرام (۱۳۸۵)، خاطرات حاج علی‌اکرام، به کوشش عبدالحسین شهیدی، تهران: مرکز
اسناد انقلاب اسلامی.

کرم‌زادی، مسلم و فهیمه خوانساری‌فرد (۱۳۹۶)، «تبیین زمینه‌های همگرایی در روابط ایران و جمهوری
آذربایجان و چالش‌های آن (از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴)». مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱
(علمی - پژوهشی/ISC)، صفحات ۱۷۱-۱۸۸.

کولایی، الهه و قاسم اصولی (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»،
مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۵، شماره ۲ (علمی - پژوهشی/ISC)، صفحات ۷۵-۹۴.

موسوی، رسول (۱۳۹۶)، «سیاست همسایگی فراتر از دیپلماسی؛ گزارش نشست سیاست همسایگی،
راهبرد پیشنهادی برای سیاست خارجی»، برگرفته از
<http://www.scfr.ir/fa> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۶/۱۲).

واعظی، محمود (۱۳۸۸)، میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز: تجربه جمهوری اسلامی ایران. تهران:
وزارت امور خارجه.

ویلسون، گرائم (بی‌تا)، الهام؛ سیمای یک رئیس‌جمهور، بی‌جا: بی‌نا.

یونانسیان، ایساک (۱۳۹۶)، «جنگ قراباغ و وقایع مرتبط با آن»، مسأله آرتساخ (قراباغ)، مجموعه مقالات، تهران: نشر هزار کرمان، صفحات ۲۵۱-۳۰۵.

- Abedin, Mahan, (2004), "Iran at sea over Azerbaijan", world Security Network, at:<http://www.worldsecuritynetwork.com/Iran/Abedin-Mahan/Iran-at-sea-over-Azerbaijan>, (accessed on 8/9/2019)
- Anderlić, Mladen (2012). "Public Diplomacy in the CEI Area: Some Reflections". pp. 13-17. at *Strategic Public Diplomacy. Diplomatic Academy Proceedings. Vol 9, No 1, 2012.*
- Cull, N. J (2009) *Public Diplomacy, Lessons from the Past, CDP Perspectives on Public Diplomacy.* Los Angeles: USC Centre on Public Diplomacy, Annenberg School, Figueroa Press.
- Jelusic, J (2010) "21st century diplomacy: a necessity, not a choice, on the road to the EU", Policy brief No 55, Policy Development Fellowship Programme 2009-2010, Open Society Fund Bosnia and Herzegovina.
- Kucera, Joshua (2013) "Iranian Official: We Helped Azerbaijan in Karabakh War", EurasiaNet's Weekly Digest, 8 March 2013.
- Lynch, D (2005) "Communicating Europe to the World: what public diplomacy for the EU?", EPC Working Paper, No 21.
- Matwiczak, Kenneth (2010) "Public Diplomacy Model for the Assessment of Performance". University of Texas at Austin, Lyndon B. Johnson School of Public Affairs, Policy Research Project Report, Number 170.
- McDowell, Mark (2008). "Public Diplomacy in the Crossroads: Definitions and Challenges in an "Open Source" Era", *The Fletcher Forum of World Affairs*, Vol. 32:3, Special Edition, pp. 7-15.
- Melissen, Jan "Public Diplomacy between Theory and Practice". Text of Presentation which delivered at the First Madrid Conference on Public Diplomacy, at Spanish Ministry of Foreign Affairs' Diplomatic School, 10 October 2006.
- Ross, Christopher (2002) "Public Diplomacy: Comes of Age", *The Washington Quarterly*, Spring, 25:2, P. 101-114.
- Veselý, Luboš (2008) *Contemporary History Textbooks in the South Caucasus.* Prague: Asociace pro mezinárodní otázky "Association for International Affairs".